

باسمه تعالی

حوزه‌های علمیه و روحانیت شیعه در سده دهم هجری

رسمیت مذهب تشیع اثنی عشری و اتحاد سیاسی ایران بر مبنای

یکپارچگی مذهب شیعه امامیه اقتضاء می‌کرد تا جنبشی نیز در حوزه

فرهنگ تشیع صورت گیرد و حرکت تألیف و ترجمه را تسریع و تقویت

بخشد. تا زیر بنای اعتقادی و فکری و فقهی تشیع را در چارچوب مکتبی با

پشتوانه کلامی و فقهی قوی در ایران عرضه کند و آموزه‌های عقیدتی

مذهب جدید برای تثبیت و استحکام نومذهبان، تبیین و تقسیم گردد و

قواعد و قوانین فقهی جهت راهنمای عمل به احکام شرعی ارائه شود.

از آنجا که بیشتر متون و منابع مذهبی شیعه به زبان عربی بود و

نمایندگان فرهنگ شیعی قبل از صفویه عمدتاً عرب بودند و یا آثار خود را

به زبان عربی به نگارش در می‌آوردند در آغاز تشکیل حکومت صفوی

ترجمه و شرح کتب دینی در اولویت اساسی قرار داشت. بنابراین ترجمه و شرح و تفسیر متون در آثار مزبور عرصه آزمونی برای علمای شیعی مذهب بود تا خلاقیت و استعداد خود را در تبیین معرفت دینی از نوع شیعی آن در ایران بروز دهند.

گرایش فکری و علمی حوزه‌های تعلیمی ایران در آستانه خیزش نهضت صفوی به طور غالب حکمت(فلسفه) و عرفان بود و هر چند کورسویی از

تفقه نیز از جانب برخی حکمای فقیه و عارف مشرب صورت می‌گرفت اما چون ضرورت علمی آن احساس نمی‌شد نمود چندانی نداشت اما اقوی آن است که گرایش به تصوف و عرفان و فلسفه در کل جهان اسلام بوده است نه فقط در شیعه.

از ابتدای تأسیس حکومت صفوی عده‌ای از علمای ایرانی با وقوف به ضرورت‌های مذکور به تکاپو افتادند تا مبانی و معارف مکتب تشیع یعنی

متون دینی تاریخ زندگانی و سیره و سنت حضرت

رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (علیه السلام) و استنباطهای فقهی

و کلامی و تفسیری علما و متفکران شیعه را برای هموطنان شیعه مذهب

خود تشریح و تفهیم سازند. این گروه معدود از علمای ایرانی که در آغاز

قرن دهم هجری به علوم شرعی مثل حدیث و فقه و تفسیر روی آوردند و

بعضاً ادعای فقاہت هم می کردند اغلب حکمای تعلیم یافته مکتب فلسفی ایران

بودند که تفقه این عده بصورت منفرد و پراکنده و بدون آنکه فعالیت آنان

شکل منسجم و منظمی داشته باشد بنا به ذوق و علاقه خود کوشیدند تا در

مجموعه معارف شیعی غور نمایند و یافته های خود را در قالب تألیف و

ترجمه ارائه دهند.

برجسته ترین نمایندگان این گروه عبارتند از:

حسین بن شرف الدین عبدالحق معروف به الهی اردبیلی

جمال الدین بن عطاء دشتکی شیرازی،

می‌ر‌شاه طاهر بن رضی حسینی کاشانی معروف به شاه طاهر.

حوزه علمیه جبل عامل و مهاجرت فقهای آن به ایران

بعد از حوزه علمیه عراق، حوزه علمیه جبل عامل که منطقه کوهستانی

وشیعه نشین در لبنان است، اهمیت خاص خود را دارد. حوزه علمی دینی

جبل عامل بر خلاف حوزه‌های علمی عراق و ایران که از حمایت‌های

سیاسی حکومت‌ها و پشتوانه مادی شیعیان متمکن برخوردار بودند نه

حامی سیاسی داشت و نه قدرت مالی و بر عکس طلاب و مدرسین آنجا در

فشار حکومت‌های سنی مذهب و در فقر و تنگدستی روزگار می‌گذرانند.

وجود دو فقیه شهید میان علمای شیعه که هر دو از این مرز و بومند،

دلیل روشنی بر تحت فشار بودن شیعیان جبل عامل است. با وجود چنین

فشارها و فقر و تنگدستی عالمان صاحب نامی که در فقه پرآوازه بوده و

نظراتشان مرجع مسائل فقهی است، در جهان تشیع از این منطقه سخت درخشیده‌اند و کتاب‌های پر ارجی به خصوص در فقه به مجموعه کتب شیعه افزوده‌اند.

حوزه علمیه جبل عامل حوزه ای خود جوش و متکی بر ایمان و باور فرد فرد افراد و از لحاظ مالی اگر بتوان برای آن اصلا وضع مالی تصور کرد متکی به خود عالمان و اداره کنندگان آن بوده است.

شاید علت آنکه پس از تشکیل حکومت صفویه، بیشتر علمای جبل عامل به ایران مهاجرت کرده و عالمان عراق بدین امر تن در ندادند وجود همین تنگدستی و فشار حکومت عثمانی در منطقه باشد.^۵

تاریخ نشان نمی‌دهد که از دیگر سرزمین‌های شیعه نشین افرادی به طور منظم برای کسب علوم دینی به جبل عامل مهاجرت کرده باشند. چه اگرچنین مهاجرتی می‌بود وضع سیاسی و اقتصادی آن منطقه تغییر

می‌کرد. اما متقابلاً علما و فقهای بسیاری را می‌بینیم که از آن منطقه به عراق و ایران و حتی حجاز و ترکیه مهاجرت کرده و بکار تعلیم و تربیت پرداخته‌اند و بدون شک عامل این مهاجرت‌ها به طور عمده وضع نابسامان اقتصادی بوده‌گرچه در این بحث حوزه علمیه جبل عامل بعنوان یکی از حوزه‌های علمی شیعه مطرح شد ولی در جای دیگر کمتر مشاهده می‌شود که این حوزه را در ردیف حوزه‌های علمی دینی شیعه

بحساب بیاورند اگرچه از علمای آن همیشه بعنوان علمای طراز اول شیعه و صاحب نظر یاد شده است.

تأثیر مهاجرت علمای جبل عامل در عرصه فرهنگ و سیاست جامعه ایرانی همانطور که تحولات سیاسی و مذهبی ایران در آغاز سده دهم هجری باعث شد تا عده‌ای از علمای ایرانی جلای وطن کنند این تحولات زمینه را برای مهاجرت گروهی از معرفت‌جویان عرب خصوصاً از منطقه جبل عامل

لبنان به ایران فراهم ساخت که خود منشأ تأثیرات بسزایی در عرصه فرهنگ و سیاست جامعه ایرانی گردید.

رسمیت یافتن مذهب تشیع در کشور بزرگی همچون ایران و حمایت سیاسی دولت نیرومندی از آن بعلاوه تهاجم سنگین ترکان عثمانی به منطقه شرق دریای مدیترانه و تهدید آزادی و اعتقادات دینی سکنه شیعه مذهب منطقه جبل عامل لبنان و به خطر افتادن امنیت جانی رهبران مذهبی

و علمای آنها ایران را کانون توجه و مطمع علمای شیعه مذهب قرار داد.

صفویان نیز ورود این میهمانان را به فال نیک گرفتند و فرصت را غنیمت شمردند و از وجود آنان در جهت ترویج و تعمیم آموزه‌های مکتب تشیع بهره جستند. سرآغاز مهاجرت فقهای عرب به ایران به دوران شاه

اسماعیل اول بر می‌گردد. ظاهراً شیخ علی بن عبدالعالی معروف به محقق

کرکی یا محقق ثانی اولین فقیه عرب است که در دوره صفویه وارد ایران

می‌شود. شیخ زین الدین دیگر فقیه عرب است که در زمان شاه اسماعیل

اول به ایران می‌آید و بر منصب شیخ الاسلامی و قضاوت هرات می‌نشیند.

در دوران سلطنت شاه طهماسب صفوی دومین فرمانروای صفوی، روند

مهاجرت علما به ایران فزونی یافت ابتدا محقق کرکی برای چندمین مرتبه

عازم ایران شد و سپس شاگردانش و دیگر علمای هموطنش راهی ایران

گردیدند. اولین و اصلی ترین مأموریتی که فقهای مهاجر متقبل شدند بر

پای کلاسهای درس و تأسیس حوزه‌های علمی و تربیت طلاب ایرانی بود.

حتی شاه اسماعیل اول که یک دم توجه و عنایت شاه طهماسب را نسبت

به فقهای مهاجر نداشت همان مرتبه اول که محقق کرکی وارد ایران شد به

صراحت تمایل خود را مبنی بر استفاده از محقق در امر تدریس و تعلیم

ابراز داشته و مقدمات اقامت محقق را در کاشان فراهم می‌سازد و برای او

وظایف و اختیارات زیادی در عراق معین می‌سازد. و حتی گفته شده است

هر ساله از جانب شاه اسماعیل هفتاد هزار دینار برای نفقه او در تدریس علوم فرستاده می شد و آنها را بین طلاب تقسیم می کرد.

در دوران سلطنت شاه طهماسب به خاطر مهاجرت گسترده فقهای عرب به ایران، کار تدریس و تعلیم علوم شرعی خصوصاً فقه رونق بسزایی یافت.

حوزه علمیه کاشان توسعه و گسترش پیدا کرد و اندک زمانی پس از آن

حوزه علمیه اصفهان تأسیس شد و روز به روز بر فعالیت خود افزود تا

آنجا که مراکز و حوزه های علمیه شیعه در خارج از ایران را تحت الشعاع

خود قرار داد و نیز بر روند فعالیت مراکز علمی داخل ایران تأثیر نهاد.

به لحاظ فکری و علمی علمای ایرانی در دوران سلطنت شاه طهماسب

صفوی را که تقریباً مقارن با زمان حیات مقدس اردبیلی است، می توان به

سه گروه تقسیم کرد.

۱ - فقها و طلاب علوم شرعی

۲ - حکما و متعلمان علوم عقلی

۳ - عده‌ای از علماء که طریق میانه را برگزیدند و به یکسان از خرمن

حکمت و فقاہت توشه برداشتند.

محصول علمی و فکری هر یک از گروه‌های مذکور و تأثیر آنان بر حیات

فرهنگی و اجتماعی و سیاسی ایران متفاوت و نا همگون است.

مسئله حضور علماء و روحانیون در حکومت صفوی از مسائل بحث انگیز

دوره اخیر بوده است. از یکسو برخی از نویسندگان معاصر با دیدی انتقادی

به این حکومت نگریسته و آن را از زوایای مختلف به نقد کشانده‌اند و از

سوی دیگر گروهی از دانشوران و نویسندگان، آن را یک ضرورت تاریخی یاد

کرده و از آثار مبارک و دستاوردهای آن سخن گفته‌اند.

علمای جبل عامل در قدرت سیاسی و فرهنگی عصر صفوی نقش بسزایی

داشتند و از آن جمله می توان به نقش محقق کرکی در تعدیل سیاستهای شاه اسماعیل اشاره کرد. یکی از مشخصه های فقه کرکی، بذل توجه خاص به پاره ای از مسائل است که تغییرسیستم حکومتی و به قدرت رسیدن شیعه در ایران بوجود آورده بود. بیشتر فقها و مجتهدان شیعه پس از کرکی تا پایان دوره صفویه متأثر از روش فقهی او بوده اند. زیرا مجموعه حقوقی عمیق و متین او را با استدلال های قوی و محکم در برابر خود دانسته اند.

محقق کرکی شش سال در عراق زندگی کرد و ظاهراً هجرت ایشان از ایران به عراق به واسطه ناهمسازی با سیاست شاه اسماعیل بود. وی در سال ۹۴۰ در نجف اشرف بدرود حیات گفت که البته فوت ایشان در زمان شاه طهماسب بوده است. از مهمترین آثار مهاجرت فقها، تثبیت اندیشه ولایت فقیه بود به گونه ای که حاکم صفوی خود را نایب فقیه می شمرد.

تحلیل شهید مطهری از نقش فقهای جبل عامل

فقهای جبل عامل نقش مهمی در خط مشی ایران عهد صفوی داشتند و چنانکه می‌دانیم صفویه درویش بودند. راهی که ابتدا آنها بر اساس سنت خاص درویشی خود طی می‌کردند اگر با روش فقهی فقهای جبل عامل تعدیل نمی‌شد و اگر بوسیله آن فقهاء حوزه فقهی عمیقی در ایران پایه گذاری نمی‌شد به چیزی منتهی می‌شد نظیر آنچه در علویهای ترکیه و شام هست. این جهت تأثیر زیادی داشت در اینکه اولاً روش عمومی دولت

ایران از آنگونه خرافات مصون باشد و ثانیاً عرفان و تصوف شیعی نیز راه معتدل تری طی کند. از این رو فقهای جبل عامل از قبیل محقق کرکی و شیخ بهایی و دیگران با تأسیس حوزه‌ها و تربیت فقها حق بزرگی به گردن مردم ایران دارند.

شیخ بهایی در اصل از مردم جبل عامل لبنان است. علت واقعی مهاجرت خانواده شیخ کاملاً روشن نیست. شاید شهادت فجیع شهید ثانی استاد

پدرش یا شرایط مشابهی که دانشمندان شیعه را بیشتر و کمابیش تهدید می‌کرد و همچنین طلوع ستاره اقبال سلسله صفوی در ایران با داعیه تشیعی که داشت بخشی از انگیزه‌های این هجرت باشد.

اعلام مذهب امامیه اثنی عشری بعنوان مذهب رسمی امپراطوری صفوی توسط شاه اسماعیل احیاناً به قصد آن بود که راه میانه‌ای در بین افراط و تفریط بگشاید. جلوی زیاده رویهای پیروان خود را بگیرد بالاخره پایه اساسی برای مشروعیت بخشیدن به سلطه و حکومت خود و خاندان خود تدارک ببیند.

اما اگر قرار بود که تشیع مذهب رسمی این امپراطوری باشد بناگزیر باید معلمانی برای ابلاغ و تبلیغ این مذهب و فقهای برای تعیین و اجرای احکام آن وجود می‌داشتند و در آن ایام چنین معلمان و فقهای بندرت در خود ایران یافت می‌شدند. البته گروههای کوچک شیعی در خراسان، عراق و

جاهای دیگر بودند ولی رجال و بزرگان شهرهای بزرگی که به خدمت صفویه درآمده بودند به رغم رواج گسترده در میانشان عمدتاً شیعی مذهب نبودند.^۷

سیر توسعه تشیع در ایران کند بود و در اوائل کار شاه اسماعیل و جانشین او شاه طهماسب برای تجهیز و تقویت علمای شیعه ایران علمای شیعه را از کشورهای عربی زبان یعنی عراق - بحرین و جبل عامل به این

کشور آورد. به قدرت رسیدن صفویان و رواج مذهب تشیع در ایران و کوششی که آنان برای تحکیم اساس مذهب شیعه در ایران مبذول داشتند، موجب شد که بسیاری از علمای شیعی مقیم جبل عامل و بحرین - که در آن دو مرکز عمده علمی و اجتماعی شیعه به شمار بود - به ایران و بین النهرین مهاجرت کنند و در امر نشر و تبلیغ مبانی مذهب شیعه جد و جهد و سعی و کوشش نمایند.

مهمترین این افراد محقق بن عبد العالی کرکی بود که پیرامون سال ۹۰۹ از

کرک نوح در جبل عامل به بین النهرین آمد.^۱

کرکی را مروج شیعه و مجدد دین در قرن دهم خوانده و تحکیم اساس

تشیع را در ایران آغاز صفوی از او دانسته اند. و مقام تقدم بر تمامی وزراء

وامراء را به وی داده که در واقع بزرگترین مقام کشور پس از مقام سلطنت

بود.

اولین عالم شیعه محقق کرکی است که شاه اسماعیل از او دعوت کرد و

او به ایران آمد این تنها کمی شمار علمای خارجی در ایران نبود که به

خدمت گرفتن کرکی و نظایر او را از نظر خاندان جدید التأسیس صفوی

ارزشمند می ساخت. مسئله مهمتر این بود که به خدمت گرفتن علمای

شیعه خارجی که علقه و ریشه ای در جامعه شهری ایران آن ایام نداشتند

از نظر این قدرت جدید التأسیس که هنوز قوام چندانی نیافته بود بسیار

مطمئن تر از توسل و تکیه بر علمای شیعی بومی‌ای بود که با طبقات ممتاز شهرهای ایران منافع مشترکی داشتند. حتی از این هم مهمتر آن بود که متضمن تأکید بر نقش و وظیفه علماء بعنوان نگاهبانان شریعت و جانشینان امام معصوم (علیه السلام) بود. و به علمای صالح اجازه می‌داد اجتهاد کنند و بنابر روشهای معتبر استنباط و استنتاج نتایج مطلوب و مورد نظر را از منابع فقهی استخراج نمایند.^۹

راهی را که کرکی گسترده بود دیگران در طول قرن دهم و نیمه اول قرن یازدهم قمری ادامه دادند. اگر چه علمای شیعه‌ای که از خارج چه از جبل عامل و چه از بحرین به ایران آمده بودند هیچگاه نتوانستند همه مقامات عالی را در تشکیلات مذهبی کشور قبضه کنند ولی با این حال علمای مهاجر به منصب شیخ الاسلامی در شهرهای بزرگ وعظ و تبلیغ در مساجد و تدریس در مدارس برگزیده می‌شدند و به هر حال می‌توانستند

نقش مهمی در اشاعه آموزه و آیین معتدل و مسئول شیعی در میان مردم ایران ایفا کنند.

اعقاب و وابستگان کرکی تا سالها همچنان نقش و نفوذ بسیار در حیات مذهبی و سیاسی ایران داشتند. بنا بر آنچه که اشاره شد نتیجه می‌شود که نقش علمای مهاجر جبل عامل در دوره صفویه و تأثیرآنان را در نشر تشیع و علوم وابسته به آن در ایران نمی‌توان نادیده گرفت. به عقیده

مورخ معاصر و شیعه شناس لبنانی سید حسن الامین: اگر علمای جبل عامل به داد پادشاهان صفویه نرسیده بودند گرایش این سلسله به مسلک علی الهی و غلاة شیعه حتمی بود و در آنصورت سرنوشت ایران امروز از لحاظ مذهبی جز این بود که هست.^{۱۰}

به طور خلاصه علل مهاجرت علمای جبل عامل به ایران را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد.

۱- رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران در دوره صفوی

۲- تهاجم سنگین ترکان عثمانی به منطقه شرق دریای مدیترانه و تهدید

آزادی و اعتقادات دینی ساکنین شیعه مذهب منطقه جبل عامل لبنان

۳- مکاتبه علی موبد آخرین حکمران سربداری و شهید اول و دعوت از وی

برای آمدن به ایران برای برقراری و تثبیت شیعه اثنی عشری.

۴- استفاده از علماء برای کسب مشروعیت سلطه و حکومت خویش.

۵- تحقق عینی وظیفه فقها در نگاهبانی از شریعت به عنوان دانشیاران

امام معصوم (علیه السلام).

۶- علاقه حکمرانان صفوی در استفاده از علمای جبل عامل برای ترویج و

گسترش مذهب امامیه اثنی عشری و تعادل بین افراط و تفریطی که در جامعه

آن روز وجود داشت.

۷- در کشورهای دیگر آن زمان مانند عراق مذهب رسمی سالها تشیع بود

و نیازی به گسترش آن نبوده است.

فهرست منابع

۱. جعفری هرندی، محمد، مروری بر تاریخ فقه و فقها، مرکز انتشارات

علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، چاپ: چاپخانه آذر نوش

۲. سفارت جمهوری اسلامی ایران - بیروت - لبنان در یک نگاه

۳. صدر، حسن و حر عاملی، محمد بن حسن و احمد حسینی، تکملة امل

الامل، به تصحیح محمود مرعشی، مکتبه آیه الله المرعشی، قم، ۱۴۰۶ ق

= ۱۳۶۴ ش

۴. فقیه، محمد، جبل عامل فی التاريخ، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۶ ق = ۱۳۶۵

ش

۵. محمد واعظ زاده خراسانی، گزارشی از لبنان، نشریه دانشکده الهیات و

معارف اسلامی مشهد، شماره ۱۴، بهار ۱۳۵۴

۶. مدرس، عبدالرحمن بن نصرالله، تاریخ علماء خراسان، با مقدمه محمد

باقر ساعدی خراسانی، کتابفروشی دیانت مشهد، مشهد، ۱۳۴۱

۷. مدرسی طباطبایی، حسین، زمین در فقه اسلامی، دفتر نشر فرهنگ

اسلامی، تهران، ۱۳۶۲

۸. مسجد جامعی، محمد، زمینه‌های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع، نشر

المهدی، تهران، ۱۳۷۹

۹. معینی آرانی، مصطفی، ساختار اجتماعی لبنان و آثار آن، وزارت امور

خارج، تهران، ۱۳۷۲
